



### The Application of Restorative Justice Doctrines in Preventing The Victimization of renewed Children and Adolescents

Hamed Ahmar Miandoab<sup>1</sup>, Jamal beigi<sup>2</sup>✉, Maryam shiriyani nasl<sup>3</sup>

#### Abstract

**Field and Aims:** The emergence of restorative justice is the result of one of the developments in the attitude towards criminal justice and thinking about crime in the past few decades, which has also led to criticism, as well as crimes related to children and adolescents due to the prevailing special conditions. The handling and determination of punishments for these lawsuits should be flexible and suitable for adults, therefore, restorative justice can be very useful in this field, because children and teenagers, because they are developing physically and mentally, will not suffer any harm in their future. overshadows and special attention should be paid to these victims, so the purpose of this study is to examine the applications of restorative justice doctrines in preventing re-victimization of children and adolescents.

**Method:** The current article is descriptive-analytical and collects information and data by referring to reference texts, library and electronic resources.

**Findings and Conclusions:** In recent years, with the emergence of the victim or crime victim as one of the most important actors in the crime scene, which has been the concern of the defenders of the victims' rights, restorative justice plays an important role. It is between the victim, the offender and the society, and it plays the most important role in healing the pain of the victim, which can be effective in preventing the victim from re-victimization.

**Keyword:** Restorative justice, Criminal mediation, Prevention, Victimization, child, Adolescent.

\*Citation (APA): Ahmar Miandoab, H.; beigi, J.; shiriyani nasl, M. (2023). The Application of Restorative Justice Doctrines in Preventing The Victimization of renewed Children and Adolescents. *Applied criminology research*, 1(1), 115-132.  
[https://qacr.ir/article\\_715534.html?lang=en](https://qacr.ir/article_715534.html?lang=en)

1. Researcher of the Department of Criminal Law and Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Maragheh Islamic Azad University, Iran. Email: Hamedahmar65@gmail.com

2. Associate professor Department of Criminal Law and Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Maragheh, Iran. (Author). Email: jamalbeigi@iau-maragheh-ac.ir

3. Assistant Professor of the Department of Criminal Law and Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Maragheh, Iran. Email: Maryam.shiriyani@yahoo.com

## کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کودکان و نوجوانان

حامد احمر میان‌دوآب<sup>۱</sup>، جمال بیگی<sup>۲</sup>✉، مریم شیریان نسل<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** ظهور عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجدآمده در نگرش به عدالت کیفری و تفکر ناظر به جرم در چند دهه پیشین می‌باشد که انتقاداتی را نیز در پی داشته است و همچنین، جرائم مربوط به حوزه کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط ویژه حاکم بر رسیدگی و تعیین مجازات‌های این دعاوی می‌بایست نسبت به بزرگسالان منعطف و مناسب باشد؛ لذا، عدالت ترمیمی می‌تواند در این زمینه کاربرد بسیاری داشته باشد، چرا که کودکان و نوجوانان به دلیل اینکه در حال تکوین جسمی و روحی هستند، هر لطمه و آسیبی آینده آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و اهتمام ویژه‌ای باید نسبت به این بزه‌دیدگان صورت گیرد. لذا، هدف از پژوهش حاضر، بررسی کاربردهای آموزه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کودکان و نوجوانان می‌باشد.

**روش:** پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها با مراجعه به متون مرجع، منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج: در سال‌های اخیر، با مطرح‌شدن بزه‌دیده یا قربانی جرم به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران صحنه جرم که دغدغه مدافعان حقوق بزه‌دیدگان بوده است که عدالت ترمیمی نقش مهمی را ایفا می‌نماید، عدالت ترمیمی به دنبال ترمیم روابط آسیب‌دیده بین بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه است و مهم‌ترین نقش را در التیام آلام بزه‌دیدگان دارد که می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد بزه‌دیدگان مؤثر واقع شود.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت ترمیمی، میانجی‌گری کیفری، پیشگیری، بزه‌دیدگی، کودک، نوجوان.

\* استناددهی (APA): احمر میان‌دوآب، حامد؛ بیگی، جمال؛ شیریان نسل، مریم. (۱۴۰۲). کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کودکان و نوجوانان. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۱(۱)، ۱۱۵-۱۳۲.

[https://qacr.ir/article\\_715534.html](https://qacr.ir/article_715534.html)

۱. پژوهشگر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ایران.

رایانامه: Hamedahmar65@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

(نویسنده مسئول). رایانامه: jamalbeigi@iau-maragheh-ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ایران.

رایانامه: Maryam.shiriyani@yahoo.com

## مقدمه

با مذاقه در پژوهش‌های مختلف می‌توان به مزایا و معایب عدالت ترمیمی پی برد و با توجه به اینکه پیشینه تاریخی رویکرد عدالت ترمیمی و جلوه‌ها و عناصر آن به صورت رسمی و غیررسمی در کشور ایران و دیگر کشورهای جهان و نیز در اسناد بین‌المللی و ملی به وفور وجود دارد، به نحوی که می‌شود به تنهایی چند جلد کتاب مستقل از آن نوشت، با این حال، خالهای مشهودی در پژوهش‌های صورت گرفته به چشم می‌خورد که دقت چندانی به آن نشده است؛ بر فرض مثال، تفکیک بین عدالت ترمیمی کیفری و عدالت ترمیمی در حقوق خصوصی صورت نگرفته است که معنای عدالت ترمیمی در این دو تقسیم‌بندی متفاوت تراز همدیگر می‌باشد. در حقوق خصوصی، معنای عدالت ترمیمی می‌تواند جبران خسارت مالی بر شخص باشد که شاید به طور کامل ترمیم کننده آثار زیان وارده باشد؛ ولی در عدالت ترمیمی، در حقوق کیفری اکثراً به جان و مال و حیثیت افراد آسیب وارد می‌شود که هرچه قدر هم که در پی ترمیم آثار و تبعات وارده باشیم، نمی‌تواند به اندازه عدالت ترمیمی که در حقوق خصوصی بکار می‌رود، کاربرد داشته باشد؛ لذا، کاربرد عدالت آموزه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان بحث بسیار مهمی می‌باشد که جای بسی تأمل در این موضوع دارد که فکر نگارندگان این پژوهش را به خود جلب کرده تا به بررسی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان بپردازند. درباره مفهوم عدالت ترمیمی نیز اتفاق نظری به چشم نمی‌خورد؛ با این وجود، «هوارد زهر، ۱۹۹۰» که یکی از پیشگامان اصلی این مکتب بود، عدالت ترمیمی را اینگونه تعریف کرده است: عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر کردن تا حد امکان کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و اصلاح امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است، اقدام کنند (فرنام، ۱۴۰۱: ۳۹۹). در نوشته‌های دیگر، آلبرت اگلش، روانشناس آمریکایی، را اولین شخص می‌دانند که در سال ۱۹۷۷ اصطلاح عدالت ترمیمی را بکار برده است (دیگنان، ۲۰۰۵: ۹۴). میانجیگری نیز بخشی از مفهوم گسترده‌تر عدالت ترمیمی است (پترونلا، ۲۰۱۴: ۲). لذا، عدالت ترمیمی گامی است رو به جلو، برای حل و فصل مشکلاتی که جرم به وجود آورده است، از طریق مشارکت فعال همه کسانی که تحت تأثیر جرم قرار گرفته‌اند و همچنین، نهادهای قدرت که به جرم رسیدگی می‌کنند (سودانی سادری، ۱۳۹۹: ۲۲). با توجه به مطالب

1. Dignan
2. Petronela

فوق، درست است که عدالت ترمیمی قصدش مشارکت دادن همه کسانی که در یک جرم تحت تأثیر آن جرم قرار گرفته‌اند، می‌باشد؛ ولی هدف اصلی از عدالت ترمیمی، بزه‌دیده می‌باشد که بزه بر روی او صورت گرفته و زیان‌دیده اصلی اوست که باید اهتمام مضاعفی برای التیام آلام او صورت گیرد. در کنار بزه‌دیده، مجرم نیز از مزایای عدالت ترمیمی بهره‌مند می‌شود؛ از جمله مزایایی که شامل حال مجرم می‌شود، جلب رضایت بزه‌دیده و کاستن از مجازات شدید خود و تقلیل مجازاتش می‌باشد و نیز بهتر می‌تواند آسیب وارده به بزه‌دیده را مشاهده کرده و وجدان مجرم تحت تأثیر قرار گیرد. با این حال، مکرراً به نظر نگارندگان، هدف اصلی عدالت ترمیمی، بزه‌دیده می‌باشد؛ زیرا، بیشترین آسیب متوجه او شده است.

## پیشینه پژوهش و ادبیات نظری

### پیشینه پژوهش

طیب‌زاده (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی آموزه‌های عدالت ترمیمی بر وضعیت بزه‌دیدگان در جوامع انتقالی»، به این نتیجه رسیده است که اجرای فرایند عدالت ترمیمی با سازوکارهای غیررسمی و غیرقضایی از جمله به‌کارگیری کمیسیون تحقیق و آشتی یا سازوکار سنتی اجرای عدالت می‌تواند با حمایت‌های خاص نسبت به بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های مادی و معنوی آنان، پاسخگوی انتظارات این قشر و انجام رسالت دولت انتقالی باشد. از این رو، در این مقاله سعی بر این است تا با بررسی آثار فرایند عدالت ترمیمی بر اصلاح اوضاع بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های آنان توأم با حفاظت و حمایت از این قشر، در مقابل خشونت‌های احتمالی آینده از طریق مشارکت آنان در فرایند عدالت، موجبات هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه انتقالی را فراهم کند.

ترکمنی و کردعلیوند (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «کارکردهای پلیس ترمیمی ویژه اطفال؛ رویکرد تطبیقی استرالیا»، به این نتیجه رسیده است که تشکیل پلیس ترمیمی ویژه اطفال در اصل، نهادی رسمی مستقل برای پاسخ‌دهی متناسب با بزه‌دیدگی و بزه‌هکاری اطفال است. پلیس ترمیمی اطفال با استفاده از مکانسیم ترمیم به جای ارجاع به نهادهای رسمی به دنبال حل و فصل موضوع و عقب‌نگه‌داشتن اطفال از معایب رسیدگی رسمی قضایی است. این مهم در کشور استرالیا دارای سازوکارهای متنوعی است. در واقع، در این مکانسیم با توجه به مولفه‌های عدالت ترمیمی و استفاده از سازوکارهای ترمیمی به مانند گفت‌وگو، نشست سه‌جانبه، هوشیارسازی و آموزش خودمراقبت‌محوری بدون رسیدگی رسمی قضایی در دستور

کار قرار می‌گیرد. در لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان کشور ایران نیز پلیس ترمیمی مورد تاکید است و رسیدگی‌های غیرقضائی پذیرفته شده است.

رجبی تاج امیر، امینی، محمدی و محمدولی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان»، به این نتیجه رسیده است که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که به ترتیب، کارکرد واحدهای مشاوره و مددکاری، گشت‌های کلانتری، فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و دایره خدمات قضایی، در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان، بیشتر مؤثر بوده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از نقش مؤثر کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلانتری و فوریت‌های ۱۱۰ در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان است. همچنین، تأثیرگذاری کارکردهای ترمیمی واحد مشاوره و مددکاری و نیز دواير قضایی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان محرز شد.

## ادبیات نظری

### ۱. عدالت ترمیمی

«در لغت، عدالت به معنای میانه‌روی در امور، مساوات و مقابل ظلم است؛ در اصطلاح نیز، رعایت استحقاق‌ها آورده شده است؛ ترمیم نیز در لغت به معنای مرمت کردن و اصلاح کردن خلل یا خرابی چیزی به کار می‌رود» (کاظم پور فرد و رنگچی تهرانی، ۱۳۹۷: ۱۵۵-۱۵۴).

هوارد زهر عدالت ترمیمی را این گونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در جرم خاص دارند، تا آنجا که امکان‌پذیر است، تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است، اقدام نمایند» (غلامی، ۱۳۹۲: ۸).

عدالت ترمیمی مخالفت خود را با عدالت سزادهنده، از مفهوم بزه آغاز می‌کند. عدالت ترمیمی بزه را به عنوان یک عمل علیه نظام اجتماعی، روابط انسانی و نقض حقوق افراد تعریف می‌کند. در مقابل، عدالت سزادهنده بزه را نقض هنجارهای اجتماعی و اخلال در نظام آن می‌داند (رضایی و شاکری، ۱۳۹۷: ۴۱).

عدالت ترمیمی فرآیندی است که به وسیله آن، تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخیل هستند، گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده

بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه بعد از وقوع جرم چاره‌اندیشی کنند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰: ۲۲).

می‌توان با توجه به مطالب فوق اینگونه بیان کرد که عدالت ترمیمی به نوعی ترمیم و اصلاح‌کننده آسیب وارده و نیز زیان‌هایی که بر بزه‌دیده و بزه‌کار وارد می‌شود، می‌باشد که حمایت از بزه‌دیده اقواتر از بزه‌کار می‌باشد؛ ولی بزه‌کار نیز می‌تواند از مزایای عدالت ترمیمی بهره‌مند شود.

## ۲. پیشگیری

«برخی پیشگیری را نوعی مداخله از طریق اتخاذ تدابیر برای جلوگیری یا کاهش خطرات ارتکاب یا کاهش نتایج احتمالی می‌دانند و موریس کوسن، جرم‌شناس کانادایی، پیشگیری را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه اقدامها و تدابیر غیرقهرآمیز که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم و کاهش وخامت جرم، پیرامون علل جرائم اتخاذ می‌شود». در این تعریف، اقدام پیشگیرانه، اقدام غیرقهرآمیزی است که بر عوامل جرم‌زا اعمال می‌شود. بر اساس این تعریف، چنانچه بزه‌کار در محاسبه خود، میزان سود احتمالی را در مقایسه با تلاش و زحمت و نیز خطرات موجود، ضعیف بداند، از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد» (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۳۸).

«پیشگیری در یک تقسیم‌بندی، به پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی تقسیم می‌شود که پیشگیری اجتماعی بر مبنای رویکرد عوامل بزهکاری مبتنی است و بدنبال تعیین عوامل بزهکاری، سازماندهی برنامه‌هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی - اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشاء رفتارهای ضداجتماعی وی می‌شود و این پیشگیری در یک تقسیم‌بندی، به اجتماع‌مدار و رشد‌مدار و در تقسیم دیگری، به اولیه و ثانویه و ثالث تقسیم‌بندی می‌شود و اما پیشگیری وضعی بر این اندیشه استوار است که گذر از اندیشه بر عمل جنایی، نه تنها به انگیزه مرتکب، بلکه به خصوصیات وضعی نیز بستگی دارد؛ بنابراین، با مدیریت محیط می‌توان از ارتکاب برخی جرائم پیشگیری نمود» (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۵۲ - ۵۱).

### ۳. بزه‌دیده

«بزه‌دیده یا مجنی علیه<sup>۱</sup> در قانون ایران تعریف نشده است و به تعریف از جرم است که هم به تعریف مجرم و هم به تعریف مجنی علیه می‌رسیم. دکترین سعی نموده‌اند که از بزه‌دیده تعریفی ارائه کنند؛ به عنوان نمونه، دکتر معتمد در مورد بزه‌دیده می‌گوید: «بزه‌دیده مفعول جرم است، به کسی که جرم علیه او انجام می‌شود و فدای فعل مجرمانه شده و متضرر و قربانی می‌گردد». تعریف عبدالقادر عوده مبنی بر این است که: «مجنی علیه کسی است که جرم علیه او واقع شده باشد، چه علیه مالش و چه علیه جاننش. همچنین، قانون کانادا بزه‌دیده را کسی می‌داند که بر اثر اقدامات مجرمانه، بر او زیان مادی و معنوی وارد شده باشد. بعلاوه، در اعلامیه سازمان ملل متحد نیز تعریفی از بزه‌دیده آمده است: «بزه‌دیده شخصی است که شخصاً یا در قالب گروه، بر اثر فعل یا ترک فعل که ممکن است جرم باشد یا هنوز جرمی تلقی نشده باشد، متحمل صدمه‌های بدنی، روانی، معنوی و مادی شود و یا اینکه به حقوق اساسی او آسیب و نقض جدی وارد شود.»

در این تعریف که از بزه‌دیده آمده، چند مطلب نهفته است: اولاً، قربانی ممکن است مشمول یک جرم باشد و ثانیاً، ممکن است قربانی در اثر سوءاستفاده حاکمیت و قدرتمندان متضرر شود که در این صورت، فرد حقوقش پایمال شده و متضرر می‌شود. در واقع، عمل دولت هنوز در قانون جرم تلقی نشده، ولی فرد از عمل دولت متضرر می‌شود. بنابراین، طبق تعریف اعلامیه، بزه‌دیده هم به مفهوم قربانی مستقیم جرم و هم به مفهوم سوءاستفاده از قدرت است» (معظمی، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۷).

جز در دوره انتقام خصوصی که بزه‌دیده از موقعیت حقوقی برجسته‌ای برخوردار بوده، تا دوران معاصر، بزه‌دیده از چشم اندیشمندان و جرم‌شناسان پنهان مانده بود. از سال ۱۹۴۰ به بعد، گروهی از جرم‌شناسان به دنبال حل معمای بزهکاری و علت‌شناسی جرم، پژوهش‌های خود را بر کنشگر دیگر بزهکاری یعنی «بزه‌دیده» متمرکز نمودند تا نقش وی را در تکوین جرم برآورد نمایند.

### ۴. کودک و نوجوان

«طبق ماده یک پیمان‌نامه حقوق کودک، منظور از کودک، انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است؛ مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن قانونی کمتر تبیین شده باشد. با این حال، تعریف کودک و تعیین حد سنی او در قوانین کشورهای مختلف جهان، از دیرباز تاکنون،

1. Victim

متغیر بوده است و در حال حاضر نیز در کشورهای مختلف جهان از ۷ تا ۱۷ سال است. بدین ترتیب، احترام به نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی کشورهای عضو کاملاً رعایت شده است» (معظمی، ۱۳۸۹: ۵۲).

دوران نوجوانی حدود سن ۱۲ تا ۱۸ سالگی را در بر می‌گیرد و مرحله انتقال از دوران طفولیت به دوره نوجوانی محسوب می‌گردد. نوجوان از یک سو، محصور در وابستگی‌های دوران کودکی است و از سوی دیگر، گرفتار عدم توانایی‌های لازم برای حل مشکلات پیچیده زندگی است و این تنزل فکری و روانی، حالت پریشانی و ابهام را در او بوجود آورده و آرامش روحی او را برهم می‌زند (براهنی، ۱۳۷۳: ۴۱).

اسناد سازمان ملل از جمله «قوانین حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت کیفری نوجوانان» (قوانین پکن) «اصطلاح نوجوان» را بکار برده‌اند. ماده ۲ مقررات پکن نوجوان را چنین تعریف می‌کند: «نوجوان، کودک یا فرد جوانی است که در نظام حقوقی خاصی ممکن است به نحوی با او رفتار شود که متفاوت از نحوه رفتار با بزرگسالان باشد. دوران نوجوانی برای بسیاری از نوجوانان زمان آزمودن و عدم اطمینان است.

## یافته‌ها

### ۱. مکانسیم‌های پیشگیرانه عدالت ترمیمی از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان

با توجه به این که کودکان و نوجوانان در مراحل اولیه زندگی خود قرار دارند و باید اهتمام مضاعف برای تکوین شخصیت آنان صورت گیرد تا در مراحل بعد زندگی خود بتوانند فردی مفید و مبتکر باشند و چرخ‌های حرکت یک کشور را تشکیل دهند، سازوکارهای پیشگیرانه عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود که ذیلاً، به احصاء موارد مهم می‌پردازیم.

#### ۱-۱. میانجیگری کیفری

میانجیگری در لغت به معنای وساطت است (معین، ۱۳۷۲: ۳۲۵). در اصطلاح، میانجیگری روشی است که به موجب آن، شخص ثالث بی‌طرف به عنوان میانجی از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین و بحث در خصوص موضوع مورد اختلاف و همه راه‌حل‌های احتمالی که برای حل اختلاف متصور است، حل و فصل اختلاف را تسهیل می‌کند. در میانجیگری، اختلافات در محیطی به صورت دوستانه و توأم با همکاری و همفکری و با دید حل و فصل اختلافات مورد بحث قرار می‌گیرد و میانجیگری با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و

پس از بررسی راه‌حل‌های ممکن با رعایت حقوق منافع دو طرف، راه‌حلی مناسب را پیشنهاد می‌کند (سودانی سادری، ۱۳۹۹: ۲۴-۲۳).

در بند الف از ماده آیین‌نامه میانجیگری مصوب هیئت دولت (۱۳۹۵)، در تعریف عبارات و اصطلاحات مرتبط با میانجیگری آمده است: میانجیگری فرآیندی است که طی آن، بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارت ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد. همچنین، در بند ب ماده ۱ و در تعریف میانجیگر آمده است که: میانجیگر شورای حل اختلاف، شخص یا موسسه‌ای است که فرایند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می‌نماید. از تعریفی که در بند ب ماده ۱ آمده است، استنباط می‌گردد که میانجیگر می‌تواند شخص حقیقی و یا یکی از اشخاص حقوقی و یا مجموعه‌ای از این دو باشد.

تعریف ارائه‌شده توسط حقوق‌دانان مصری: میانجیگری کیفری فرآیندی است که با استفاده از شخص بی‌طرف بنام میانجی‌گر، فاصله بین دو طرف نزاع کاسته شده و به آنها اجازه می‌دهد که در مورد آثار زیانبار ناشی از جرم و به امید حل و فصل نزاع فی‌مابین مذاکره نمایند (ابوالعلا، ۲۰۰۱: ۲۴).

از نظر آقای رامی متولی القاضی، میانجیگری کیفری فرایندی است که قبل از طرح دعوا عمومی کیفری با توجه به ارجاع از سوی دادسرای عمومی برای میانجیگری به یک شخص با شرایط و اوصاف خاص، با موافقت طرفین، تماس با جانی و مجنی‌علیه و ملاقات آنها برای تسویه آثار ناشی دسته‌ای از جرایمی که ساده هستند و یا به علت ارتباطات دائم بین طرفین اتفاق می‌افتد، سعی در تحقق اهداف محدودی که به موجب قانون تعیین شده، دارد و موفقیت آن فرایند مستوجب عدم به جریان افتادن دعوی عمومی است (القاضی، ۲۰۱۰: ۴۵).

حقوق انگلستان نیز میانجیگری را روند دور هم جمع کردن طرفین یک درگیری توسط یک شخص ثالث بی‌طرف تعریف کرده است (بوریس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶).

در انگلستان، میانجیگری شامل دو روند کاملاً متمایز است: میانجیگری مستقیم و غیرمستقیم. در میانجیگری مستقیم، یک جلسه رودرو بین طرفین برگزار می‌شود. در میانجیگری غیرمستقیم، با وصف اینکه هرگز تسهیلات ملاقات رودرو وجود ندارد، ولی با هر دو طرف جداگانه ملاقات شده و اطلاعات را بین طرفین ردوبدل می‌کنند. در برخی موارد،

1. Boris

برای رسیدن به موافقت ممکن است که به چندین جلسه ملاقات نیاز باشد. در ایالات متحده امریکا اغلب به این روند غیرمستقیم یا آشتی می‌گویند و برخی به آن دیپلماسی رفت‌و برگشت نیز می‌گویند (سودانی سادری، ۱۳۹۹: ۴۷). میانجیگری به عنوان اصلی‌ترین جلوه عدالت ترمیمی به دنبال ترمیم نیازهای بزه‌دیدگان است. این نیازها به اعتقاد برایت ویت شامل این موارد می‌شوند: احیا و بازسازی و ترمیم شخصیت انسانی و عطفوت بزه‌دیده، ترمیم زیان‌ها و خسارت‌های مالی، ترمیم و درمان لطمات جسمانی و روانی، احیا و اعاده حقوق و آزادی‌های از دست‌رفته انسانی بزه‌دیده، بازسازی و احیای نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و محیط‌های کاری و اشخاص بزه‌دیده و ترمیم و جبران خسارت و لطمات وارده بر آنها (بریت ویت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۱۱).

حقوق بزه‌دیدگان جرائم یکی از مهمترین موضوعات آیین دادرسی کیفری جدید است که قبلاً، برای بزه‌دیده در محکمه‌های کیفری به عنوان شاکی خصوصی حق بسیار اندکی شناخته می‌شد؛ لیکن امروزه، برای بزه‌دیده در حقوق کیفری موقعیتی ممتاز قائل شده است، تا بدان جا که یک سیاست جنایی مبتنی بر حقوق بزه‌دیدگان قرار داده شده است؛ چرا که بزه‌دیدگان بر اثر ارتکاب جرم مورد آسیب‌های شدید مادی و معنوی قرار می‌گیرند. به همین دلیل، روبه‌رو شدن و صحبت با شخص یا اشخاص متهمان برای بزه‌دیدگان مهم‌تر و بسیار ارزشمندتر از مجازات کردن می‌باشد. لذا، یکی از مهمترین اهداف میانجیگری، تخلیه عاطفی و روانی بزه‌دیدگان می‌باشد و حمایت‌هایی که از بزه‌دیدگان از طرف خانواده و دیگر نهادها و همدردی که از بزه‌دیده می‌شود، می‌تواند در برگشت اعتماد به نفس از دست‌رفته آنان و پیشگیری از بزه‌دیدگی مجددشان نقش مهمی را ایفا نماید.

جبران خسارت بزه‌دیده یکی دیگر از اهداف میانجیگری کیفری می‌باشد تا در نشست‌هایی که صورت می‌گیرد، میزان دقیق خسارت برآورد شده که شامل خسارات مادی و معنوی می‌باشد، در زمان کمتری و به نحو احسن جبران شود. تسلی خاطر و التیام روحی و معنوی بزه‌دیده نیز از دیگر اهداف میانجیگری کیفری می‌باشد که اصولاً، با جبران خسارات مادی و عذرخواهی بزه‌کار صورت می‌گیرد. حل و فصل خصومت و رفع تنش‌ها نیز یکی دیگر از اهداف میانجیگری کیفری می‌باشد و موارد دیگری که می‌شود به اهداف میانجیگری کیفری اضافه نمود که هر کدام کارکردهای مخصوص به خود را دارند.

1. Braithwaite

## ۲-۱. مسئولیت‌پذیری بزهکار

بزهکار یکی از ارکان اصلی جرم می‌باشد که در نظام عدالت کیفری رسمی تکلیف او کاملاً مشخص می‌باشد. با این حال، در فرایند میانجیگری توجه بیشتری به شخصیت این شخص آسیب‌زده و آسیب‌زا می‌شود؛ چرا که رفتار مجرمانه نتیجه قصور مشترک فرد در جامعه‌ای است که مجرم بخشی از آن است. در نتیجه، جامعه باید تا حدودی مسئولیت جرم را برعهده بگیرد و حداقل برای بازپروری وی (مجرمین) تلاش کند (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۱۵).

مسئولیت‌پذیری بزهکار باعث می‌شود که از گذشت بزه‌دیده و رفع آثار جرم بهره‌مند شود، چرا که وقتی بزهکار مسئولیت فعل ارتكابی خود را برعهده می‌گیرد، نشان‌دهنده این است که او به اشتباه خود پی برده و درصدد جبران آن می‌باشد که این امر وی را در معرض اعلام گذشت از ناحیه شاکی قرار می‌دهد و با توافقات صورت‌گرفته و نظر مساعد بزه‌دیده و مجریان میانجی‌گری، ضمانت اجرای کیفری را محدود و مضیق کند. فرایند میانجی‌گری باعث ایجاد شرایط لازم برای بزهکاران جهت کسب اطلاعات و آگاهی لازم از نتایج وخامت‌بار جرم و تأثیر آن بر سایر افراد و نیز پذیرش آزادانه مسئولیت‌های ناشی از آن می‌گردد (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

مسئولیت‌پذیری بزهکار باعث می‌شود که در فرایند میانجیگری از رسیدگی کیفری رسمی دور مانده و از آثار سوئی که برای بزهکار دارد و باعث برچسب‌خوردن و انگ‌زدن به متهم و در سایه اتهام باقی‌ماندن وی شود، دور بماند. این موارد با میانجیگری به سود متهم رفع می‌گردد (حسینوند، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

## ۳-۱. دادرسی ترمیمی بزه‌دیده‌محور

در دادرسی ترمیمی بزه‌دیده‌محور، بیشتر بزه‌دیده در مرکز قرار داده می‌شود و این بدان معنی می‌باشد که به دلیل آسیبی که به بزه‌دیده وارد شده، آسیب‌پذیری او را برای بزه‌دیدگی مجدد افزایش می‌دهد؛ به همین دلیل، دادرسی ترمیمی باعث می‌شود که آسیب‌های مادی و معنوی که به وی وارد شده، تا حد زیادی ترمیم و التیام یابد و بتواند به زندگی معمولی خود باز گردد. البته، ناگفته نماند که هرچه قدر هم در جهت ترمیم آسیب‌دیدگی بزه‌دیده تلاش شود، وی به حالت قبل از بزه‌دیدگی خود باز نخواهد گشت و از لحاظ روحی و روانی باز تمام و کمال آسیب‌دیدگی او التیام نخواهد یافت؛ ولی اقلماً، از آسیب‌خوردگی او کاسته خواهد شد تا بتواند با التیام زخم‌هایش رفته‌رفته به حیات خود ادامه دهد.

## ۴-۱. اصلاح و بازپذیری بزهکار

از اهدافی که می‌تواند در اصلاح و بازپذیری (بازپروری) بزهکار مؤثر واقع شود، اولاً اینکه او باید پاسخگویی فعل ارتكابی خود باشد؛ یعنی آن را بپذیرد و خسارت وارده در اثر فعل مجرمانه خود را در حق بزه‌دیده جبران نماید. در مورد خسارات معنوی نیز اقدام به عذرخواهی و طلب بخشش جهت تسلی خاطر و رضایتمندی بزه‌دیده بنماید. در اکثر جرائم، بعد از وقوع جرم، بزهکار در جریان صدمات و تألمات بزه‌دیده قرار نمی‌گیرد؛ اما در فرایند میانجیگری کیفری، مذاکرات رودررو و صحبت‌های مستقیم و بیان احساسات و رنج‌ها و آثار واقعی بزه بر زندگی بزه‌دیده و خانواده وی باعث آگاهی بزهکار از آثار واقعی عمل خویش می‌گردد (عباسی، ۱۳۸۲: ۹۷). و یکی دیگر از اهدافی که در این فرآیند در ارتباط با بزهکار مورد توجه قرار می‌گیرد، خنثی‌سازی می‌باشد. نظریه خنثی‌سازی بر این مبنا پایه‌گذاری شده است که بزهکار پیش از ارتکاب جرم، با ایجاد ذهنیات و تصورات غلط واهی در خود، زشتی بزه را برای خود از بین می‌برد و خود را محق در انجام بزه فرض می‌کند؛ مانند کسی که مالی را از شخصی دزدیده و با توجه غیرمشروع منشأ اموال را توجیه می‌کند و یا کارمندی که در اداره‌ای استخدام می‌باشد، عمل خود را اینگونه توجیه می‌نماید که من به اندازه زحمت و تلاشی که می‌کشم، حقوق کمی می‌گیرم؛ لذا، باید اختلاس کنم. در این بین، می‌توان با برگزاری جلسات میانجیگری و گفتگوها با او، این تصور غلط و مضر را در او اصلاح نمود.

مشارکت بزهکار در ترمیم اختلالات اجتماعی ناشی از جرم نیز می‌تواند در اصلاح و بازپروری وی مؤثر واقع شود. جان برایت ویت در سال ۱۹۸۹ نظریه شرم‌سازسازی بازاجتماعی‌کننده را مطرح کرد و عقیده دارد افراد مورد قبول بزهکار از قبیل دوستان و خانواده‌اش و همچنین، ریش‌سفیدان باید به نحوی که به شخصیت بزهکار خدشه‌ای وارد نشود، وی را شرم‌منده کرده و به نحوی مثبت او را بیدار کنند تا به جامعه باز گردد. تحقق این امر در فرایند میانجیگری است که تسهیل می‌شود در جریان مشکلات و خساراتی که به بزه‌دیده بار شده، قرار گیرد و نتایج و عاقبت و شدت بار عمل خود را ببیند و در اینجا است که میانجیگری باید احساس مسئولیت بزهکار را در قبال بزه‌دیده برانگیزد و او را در جبران خسارات و حل مشکلات بزه‌دیده ترغیب نماید و از بزه‌دیده عذرخواهی کند.

## ۵-۱. ترمیم و جبران خسارت کودک و نوجوان بزه‌دیده

با توجه به اینکه کودکان و نوجوانان به خاطر شرایط روحی آسیب‌پذیرتر می‌باشند، لذا باید اهتمام ویژه‌ای برای ترمیم جبران خسارات وارده بر آنان شود تا در مراحل بعدی زندگی آسیب

وارده التیام یابد و خدشه‌ای به زندگی فرد وارد نکند. مهمترین خسارتی که می‌تواند بر کودکان و نوجوانان وارد شود، خسارات ناشی از لطمه به آبرو و حیثیت یا آسیب عاطفی و حیثیتی است که بسیار مهمتر از خسارات مالی و مادی می‌باشد. آسیب عاطفی یا حیثیتی مفهوم روانشناختی داشته و به معنای تأثیرپذیری یا واکنش روانی است که در برخورد با امور بیرونی در ذهن پدید می‌آید و به شکل‌هایی مانند ترس، کینه، خشم و درد نمایان می‌شود. خسارات ناشی از آبرو، لطمه‌زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت بزه‌دیده است که می‌توان آن را سرمایه معنوی نامید؛ البته، این خسارت و لطمات باید ناشی از جرم باشد (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۸؛ عباچی، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

قانون انگلستان درد و رنج عاطفی را اختلال اضطراب پس از بزه تعریف می‌کند و افسردگی و علائم روانی را از قبیل بی‌خوابی، فقدان اعتماد به نفس و انزوای طلبی می‌داند و در ادامه متذکر می‌شود که چنین صدمات روحی نیاز است که توسط پزشک متخصص یا کلینیک، روانشناسی گردد.

اصطلاح رنج عاطفی در کشور کانادا شامل شوک عصبی می‌شود و حتی حاملگی را نوعی درد عاطفی شمرده است (وینسون و الکینز، ۲۰۱۳: ۱۱). لذا، پزشکان متخصص و کلینیک‌های روانشناسی می‌توانند در ترمیم و جبران خسارات معنوی کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر واقع شوند.

کشور کالیفرنیا اولین ایالتی بود که در سال ۱۹۶۵ در نظام حقوقی‌اش، منافع بزه‌دیدگان را با تأسیس حق جبران‌کننده بزه‌دیدگان شود. قانون کالیفرنیا یکی از ضروریان‌های مادی بزه‌دیده را صورتحساب‌های درمانی، پزشکی، خدمات سلامت فیزیکی و هزینه‌های مشاوره سلامت روانی برشمرده است. قانون کانادا نیز کودک بزه‌دیده را مستحق ترمیم برای هر گونه خسارت مادی متحمل شده از نتیجه‌ی بزه شخص دیگر دانسته است (عظیم زاده و هدایت، ۱۳۹۵: ۳۶).

در کشور سوئد، برای محاسبه نرخ خسارت در خصوص صدمات روحی، نوع و شدت جراحات روحی وارده بر کودک بزه‌دیده بررسی شده و تأثیر آتی آن بر زندگی قربانی تحلیل می‌گردد. در کشور آلمان، جدول پرداخت وجود دارد که حداقل و حداکثر میزان غرامت را برای هر جرم مشخص می‌نماید و با وجود معین بودن میزان غرامت در جدول مزبور، مقامات این قدرت را دارا هستند تا میزان غرامت را با توجه به اوضاع و احوال پرونده کاهش یا افزایش دهند (وینسون و الکینز، ۲۰۱۳: ۳۹-۳۱).

## ۱-۶. مشارکت‌دهی جامعه محلی

مشارکت‌دادن جامعه محلی نیز می‌تواند در میانجیگری کیفری بسیار مؤثر واقع شود، چرا که «فرایند میانجیگری کیفری از ابزارهای سرکوبگری که باعث گسست و اختلال بیشتر در جامعه می‌شود، بهره‌ای نمی‌برد و با تمسک به روش‌های غیرکیفری، از ایجاد این اختلالات و پسمندهای ناشی از آن جلوگیری می‌کند (بازیمور و امبریت، ۲۰۰۱: ۱۰). این فرآیند باید با تقابل بزهدار و جامعه محلی را از ترس ارتکاب مجدد بزه توسط مرتکب رهایی داده و آرامش را به پیکره اجتماع بازگرداند. تجربیات نشان می‌دهند که در بحث پیشگیری از جرم، افرادی که پس از خروج از زندان مرتکب جرم می‌شوند، بیش از افرادی که دعوای آنها در میانجیگری حل‌وفصل شده است (حسینوند، ۱۳۹۴: ۱۲۹). لذا، می‌توان گفت در بحث پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، مشارکت‌دهی جامعه محلی در میانجیگری می‌تواند بسیار کارآمدتر و موفق‌تر از فرایند عدالت کیفری رسمی (دادگستری) عمل نماید.

مشارکت افراد جامعه در فرایند میانجیگری تحقق می‌یابد. میانجیگری کیفری و سایر ابزارهای قضازدایی به منزله عقب‌نشینی نظام عدالت کیفری رسمی به نفع جامعه مدنی، فرهنگ و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. بدین ترتیب، کاستن از محدوده اقتدار بی‌حدوحصر و عنان‌گسیخته قوای عمومی و برگرداندن حق تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به نمایندگان اقلیت جامعه مدنی و محقق‌نمودن یک عدالت کیفری مردم‌سالار است (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). بر این اساس، یکی از مهمترین نیازهای هر جامعه، امنیت اجتماعی می‌باشد که در این بین، مشارکت‌دهی جامعه محلی همراه با سیستم‌های عدالت کیفری رسمی می‌تواند در تحقق امنیت اجتماعی بسیار کارساز باشد. امنیت اجتماعی را می‌توان نوعی توانمندی جامعه برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادی گروه‌های اجتماعی و قومی دانست. از مهمترین ویژگی‌های عدالت اجتماعی، تمرکز بر عدالت است که مهمترین مورد از امور جامعه را تشکیل می‌دهد و باید از مشارکت تمامی نهادها برای رسیدن به این امر مهم مساعدت طلبید.

## بحث و نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرم بی‌شک در تمامی کشورهای جهان امری بسیار مهم و ضروری می‌باشد و تمامی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان و حتی جامعه‌شناسان بر این امر اتفاق نظر دارند و تلاش می‌کنند که به پیشگیری اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. لیکن، همیشه این امر محقق نمی‌شود و باید به فکر راهکارهایی برای کاستن از تبعات بعدی جرم بود که عدالت ترمیمی می‌تواند در

ترمیم و پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود و با توجه به اینکه مدرسه و خانه که از مهمترین نهادهای اجتماعی در جامعه هستند، بنابراین می‌توان گفت که بیشترین سهم را در تربیت کودکان و نوجوانان دارند. مدرسه و خانه در تکوین و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان مهمترین نقش را ایفا می‌کنند. مدرسه با جامعه‌پذیرکردن کودکان و آموزش مهارت‌های زندگی، توسعه دانایی، افزایش آگاهی و تقویت احساس مسئولیت کودکان می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی مؤثر واقع شود و نیز عدالت ترمیمی مخالفت خود را با عدالت سزادهنده از مفهوم بزه آغاز می‌کند. عدالت ترمیمی بزه را به عنوان یک عمل علیه نظام اجتماعی، روابط انسانی و نقض حقوق افراد تعریف می‌کند. در مقابل، عدالت سزادهنده بزه را نقض هنجارهای اجتماعی و اخلال در نظام آن می‌داند. لذا، عدالت ترمیمی با توجه به اینکه با درگیر نمودن تمامی کسانی که سهمی در جرم دارند، تا آنجا که امکانش وجود دارد، سعی می‌کند به طرقتی جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن تمامی امور تا جایی که امکان دارد، اقدام نماید. در این میان، کودکان و نوجوانان به دلیل روحیه انعطاف‌پذیر و روبه‌رشد، زمانی که مورد بزه قرار می‌گیرند، در برخی موارد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌بینند که باید توجه مضاعف و ویژه‌ای به بزه‌دیدگی این قشر جامعه که در آینده مسئولیتی را در جامعه برعهده خواهند گرفت، داشت تا متأثر از بزه‌دیدگی خود در پس انتقام و بزهکاری نباشند. لذا، عدالت ترمیمی می‌تواند در ترمیم آلام اشخاص بزه‌دیده بسیار مؤثر باشد. همچنین، میانجیگری که از زیرشاخه‌های عدالت ترمیمی می‌باشد، نه تنها می‌تواند برای بزه‌دیده مؤثر باشد، بلکه می‌تواند بر روی بزهکار نیز تأثیر گذاشته و او را از ارتکاب مجدد جرم و از مجرم اتفاقی بودن به سوی مجرم به عادت بودن بازگردانیده و زمینه اصلاح و بازپروری او را فراهم سازد و در ایجاد سلامت اجتماعی مؤثر باشد.

## پیشنهادها

با توجه به اینکه عدالت ترمیمی مفهوم گسترده‌ای دارد و برای اینکه بتواند مؤثر واقع شود، باید از تمامی نهادهای متولی مساعدت بطلبد، در این میان، مهمترین نهادهایی که می‌توانند مؤثر واقع شوند، خانه و مدرسه، قوه مقننه، مراجع قضایی، کلینیک‌های پزشکی، صداوسیما، جامعه محلی و... هستند که هر کدام می‌توانند فراخور وظیفه خود نقش‌آفرینی نمایند. مداخله خانواده در خانه با مشارکت تمام اعضای خود در پیشگیری از بزه‌دیدگی و مقابله با مشکل پیش از وقوع آن است و برنامه‌های پیشگیری در دوران اولیه کودکی نشان داده است

که می توان از بزه دیدگی تا حد زیادی پیشگیری نمود. مدرسه نیز با بهبود مهارت های پرورش کودک در مورد خانواده هایی که نحوه برخورد مؤثر و کارآمد با کودکان و نوجوانان خود را نمی دانند، از جمله اقداماتی است که می تواند در پیشگیری از بزه دیدگی مؤثر باشد. از مهمترین علل بزه دیدگی کودکان و نوجوانان، طلاق والدین است که در آنان خلاء عاطفی ایجاد می کند و آنها برای پر کردن خلاءهای عاطفی خود، دست آویز افرادی می شوند که از این خلاء عاطفی سوءاستفاده کرده و آنان را بزه دیده می نمایند. لذا، یکی از راهکارها، پیشگیری از طلاق والدین است که در پیشگیری از بزه دیدگی کودکان و نوجوانان می تواند کارآمد باشد و اما قوه مقننه با وضع قوانین بازدارنده و مراجع قضایی با صدور احکام، کلینیک های پزشکی با داشتن روان پزشکان و روان شناسان می توانند با مداوای روحی و روانی، در ترمیم آلام بزه دیدگان مؤثر باشند. مدارس با آموزش های مؤثر نه تنها به کودکان و نوجوانان، بلکه به اولیای آنها نیز می تواند در پیشگیری از بزه دیدگی آنان مؤثر باشد و صداوسیما با ساخت فیلم های آموزشی و جامعه محلی با ریش سفیدی و کدخدانمنشی می توانند در اجرای عدالت ترمیمی مفید واقع شوند. این موارد راهکارهای مهمی هستند که می توانند در پیشگیری از بزه دیدگی کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار گیرند.

سپاسگزاری

پژوهشگران از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۱). جرم‌شناسی پیشگیری. جلد اول. نشر میزان.
- اسفندیاری، محمد صالح. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناسان زندان. مجد.
- ابوالعلاء عقیده، محمد. (۲۰۰۱). شرح قانون الاجرائات النجائیه. دارالنهضة العربیه.
- براهنی، محمدتقی. (۱۳۷۲). لغتنامه روانشناسی. انتشارات فرهنگ معاصر.
- ترکمنی، شادی و کردعلیوند، روح الله. (۱۴۰۱). کارکردهای پلیس ترمیمی ویژه اطفال؛ رویکرد تطبیقی استرالیا. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۱۹)، ۱۷۹-۲۰۶.  
[https://jclc.sdil.ac.ir/article\\_149670.html](https://jclc.sdil.ac.ir/article_149670.html)
- حسینوند، موسی. (۱۳۹۴). میانجیگری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی. مجد.
- رامی متولی، القاضی. (۲۰۱۰). الوساطه فی القانون الجنائی الاجرائی المقارن. القاہره دارالنهضة العربیه.
- رضایی، غلامحسینی و شاکری، یاسر. (۱۳۹۷). عدالت ترمیمی در نظام حقوق ایران و دیوان کیفری بین‌المللی. پژوهش‌نامه حقوق فارس، ۱(۱)، ۳۹-۶۵.  
[https://www.pzhfars.ir/article\\_93962.html](https://www.pzhfars.ir/article_93962.html)
- رجبی تاج امیر، ابراهیم؛ امینی، ایمان؛ محمدی، حسین و محمدولی، مجید. (۱۳۹۹). کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان. رهیافت پیشگیری از جرم، ۳(۳)، ۹۲-۶۵.  
[http://journals1.jri.ac.ir/article\\_244357.html](http://journals1.jri.ac.ir/article_244357.html)
- سودانی سادری، بدر. (۱۳۹۹). میانجیگری کیفری. دادگستر.
- طبیب زاده، پونه. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزه‌های عدالت ترمیمی بر وضعیت بزه‌دیدگان در جوامع انتقالی. دیدگاه‌های قضایی، ۲۷(۹۸)، ۸۳-۱۰۰.  
<https://jlvviews2.ujsas.ac.ir/article-1-1492-fa.html>
- عباچی، مریم. (۱۳۸۴). رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده. مجله حقوقی دادگستری، ۶۹(۵۲ و ۵۳)، ۲۰۴-۱۶۹.  
[https://www.jlj.ir/article\\_44303.html](https://www.jlj.ir/article_44303.html)
- عظیم‌زاده، شادی و هدایت، هدیه. (۱۳۹۵). از جبران خسارت ناشی از جرم علیه کودکان تا نحوه ترمیم خسارات؛ با نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسناد بین‌المللی. پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۷)، ۶۵-۳۱.  
[https://jclr.atu.ac.ir/article\\_7119.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_7119.html)
- غلامی، حسین. (۱۳۹۲). عدالت ترمیمی. چاپ چهارم. انتشارات سمت.
- کاظم پور فرد، فاطمه و رنگچی تهرانی، عطیه. (۱۳۹۷). نقش عدالت ترمیمی در واکنش کیفری به جرائم حوزه خانواده. فقه و حقوق خانواده، ۲۳(۶۸)، ۱۷۰-۱۵۳.  
[https://flj.isu.ac.ir/article\\_69001.html](https://flj.isu.ac.ir/article_69001.html)

- فرنام، حکیمه. (۱۴۰۱). انتقادات وارده بر عدالت ترمیمی. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۲۰)، ۳۹۱-۴۱۵.

[https://jclc.sdil.ac.ir/article\\_141503.html](https://jclc.sdil.ac.ir/article_141503.html)

- معظمی، شهلا. (۱۳۸۹). بزهکاری کودکان و نوجوانان. دادگستر.

- مالکی زاده، سروش. (۱۳۸۷). فرایند جبران خسارت بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری. دادرسی، ۱۲(۷۰)، ۳-۱۱.

<https://ensani.ir/fa/article/131444/>

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۰). از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی. مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۳(۹ و ۱۰)، ۳-۳۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/22699/>

- Ames, D. (2005). *understanding victims and Bestorative justiee*. open university press.

- Bazemor, G. & umberit, M. (2001). *A comparsion of four Restorativ conflict in England*. Juvenile Justice Clearinghouse.

- Boris, K. and Rachel, L. (1996). *Mediation of Criminal Conflict in England: An Assessment of Services in Coventry and Leeds*. NCJRS Virtual Library.

- Braith, W. J. (2000). *standards for restorative justice*. U.N, Crime congress ancillary meeting.

-Vinson & Elkins. (2013). *Compensation for the Mental Suffering of Rape Victims and Rape and Prostitution Laws relating to Minors: A Comparative Study*. Women's Legal Counseling and Service Center.

<https://www.trust.org/publications/i/?id=1f16a695-7353-42a5-ac18-5fb1524a2f3c>